



C I N E M A

سینما

حبیب... کاسه ساز تهیه کننده سینما و تلویزیون در مورد ممیزی در تلویزیون می گوید: شرایط خاصی در صدا و سیما وجود دارد و ما به عنوان تهیه کننده شاید تعهدی را که رسانه به همه آدم ها دارد نداشته باشیم؛ به نظر ممیزی یک وقت هایی لازم است و جزو تعهد رسانه است که انجام دهد. ماسعی می کنیم آن چیزی که تلویزیون مدنظرش است را جلو ببریم اما به هر حال برخی مواقع جنبه هایی از دستان در می رود که آنها مجبورند سانسور کنند.

رضا بهشتی تهیه کننده تلویزیون هم نسبت به وضعیت ممیزی در تلویزیون انتقاد دارد و می گوید: این روزها ممیزی در تلویزیون



شدید شده و در مقابل اعمال نظر ها و اعتماد به بر نامه سازان کمتر شده است. وقتی در تلویزیون ممیزی ها شدید می شود، ناخود آگاه



باعث خنثی شدن کار های می شود، همچنین در حال حاضر هم که تلویزیون پول ندارد، بر نامه سازان با این مشکل هم دست و پنجه



نرم می کنند.

این تهیه کننده می گوید: به نظر می رسد تلویزیون به سمتی رفته که اعمال نظر ها در آن بیشتر شده، در حالی که باید بحث اعتماد به بر نامه سازان وجود داشته باشد و به همین خاطر احساس می کنم تلویزیون دیگر نمی تواند به سال های قبل برگردد.

نظر مدیران در مورد ممیزی چیست؟

بعد از روی کار آمدن علی جنتی، شرایط جدیدی پیش آمد مثل فیلم خانه پدری که با وجود تمام کش و قوس های موجود، بالاخره اکران شد و البته بعد از سه روز خبر توقیف آن منتشر شد و در نهایت جنتی، آب پاکی را روی دست همه ریخت تا همه حرف و حدیث ها تمام شود. علی جنتی اعلام کرد: فیلم خانه پدری را دیده ام. این فیلم قابل اصلاح و اکران عمومی نیست البته ممکن است در حد محدود اکران شود و شورای نظارت بر نمایش فیلم، این فیلم را تایید کرده است و در عین حال به نظر شخصی من این فیلم به دلایل اینکه بعضی از نقش ها بخش های خشونت باری دارند قابل اکران عمومی نیست و بر اساس قوانینی که بر عهده ما است یعنی مصوبات هیئت دولت برای نمایش فیلم های سینمایی قطعا مواردی که حاوی خشونت باشد، آن هم خشونت شدید قابل اکران

از اول بوده، به نمایش در می آید. تمامی کشور ها به نوعی با این عامل درگیرند. حتی کشور هایی که ادعای آزادی بیان و نداشتن هر گونه محدودیت را هم سر می دهند، تولیداتشان به نوعی دیگر، مورد ممیزی قرار می گیرد. البته در چنین کشور هایی، گاه آن قدر قدرت سینماگران زیاد است که در تعیین خط مشی سیاسی و اهداف و مقاصد سیاسیون، فعالیت های هنری شان را در جهت نیل به خط فکری خاصی همسومی کنند و به نوعی آنان هستند که سیاست و اهل سیاست را ممیزی می کنند. اما سانسور و ممیزی در کشور ماترین مشخصی ندارد. البته همه می دانند که اخلاق و رعایت شئون و خشونت، حد و مرز هایی که جامعه اسلامی مشخص کرده، خود نوعی خط قرمز است و فراتر از آن، ممکن است که آثار سینمایی و تلویزیونی را دچار ممیزی کند.

وضعیت سینمای ما مدت ها پیش از تلویزیون دچار آسیب بوده و هست، سینمای ما بعد از انقلاب و شاید پس از دهه ۶۰ دوباره به سمت و سوی سینمای فارسی حرکت کرده است، امروزه در سینما خارج از محتوا های ضعیف و بعضا ضعیف برخی فیلم ها، با آسیب جدی در ظاهر آن روبه رو هستیم. فیلم هایی که اثری از حجاب اسلامی در آنها دیده نمی شود؛ رابطه های افرادی قاعده است و حتی در دیالوگ ها و برخی از صحنه ها نیز با مفهوم جنسی پنهان روبه رو هستیم. اما شبکه پخش خانگی؛ شبکه ای که عمر کوتاه تری نسبت به دور سانه قبلی به شکل جدید خود دارد، در این شبکه هم گاه با مجموعه هایی بر خورد می کنیم که از رسانه ملی قابل پخش نیستند! چه از نظر ظاهر و چه باطن. البته شبکه پخش خانگی از نظر چهار چوب های مطرح به سینمای امروز ما بسیار نزدیک تر است.

ممیزی در رسانه

ابتدا باید در سطح اولیه به سانسور در این رسانه نگریست ممیزی هایی که دچار افراط و تفریطند که یا هستند و یا نه. البته ممیزی در رسانه ای مثل سینما و تلویزیون با توجه به این که پیش از این شاهد بودیم که برخی فیلم ها دچار ممیزی می شوند و وقتی به به قایی دیگر می آیند و یا در دور های دیگر از مدیریت فردی دیگر به راحتی به نمایش در می آیند و این گونه رویکردها نشان از اعمال سلیقه است. کسانی که نظارت بر محتوا و ظاهر فیلم ها را بر عهده دارند باید فارغ از سیاست زدگی و سلیقه گرایی باشند، آنان باید بتوانند که با علم بر حقوق ارتباطات جمعی و قواعد آزادی بیان و مباحث اخلاق اسلامی به درستی و به دور از هر آسیب، اعمال نظارت و سانسور کنند.

البته صحنه هایی را در سینما شاهد هستیم که مسئولان معتقدند نمی توانیم از تلویزیون پخش کنیم یا وقتی پخش می شود برای مخاطب از این رسانه تا زگی دار دو اینجاست که دوگانگی ایجاد می شود. یکی مسئله ممیزی و سانسور و دیگری بر ترواقض فرهنگی که مخاطب را هم دچار سردرگمی می کند. دقیقا پای لنگ ممیزی های ما در همین مسئله است، چرا باید این قدر ممیزی هایمان متناقض باشد. اگر صحنه ای در سینما نباید نمایش داده شود، پس نمایش همان صحنه در تلویزیون هم معنایی ندارد و بالعکس. در واقع در هیچ قایی نباید محدودیت وجود داشته باشد و به نظر می رسد وجود یک نقشه جامع و نهادی هماهنگ کننده برای رسانه ها الزامی است. برخی از مسئولان معتقدند که مخاطب سینما با تلویزیون متفاوت است. در حالی که همین مردم هستند که به سینمای می روند و فیلم ها را بر پرده نقره ای تماشا می کنند اما در تلویزیون به همین افراد اجازه تماشا می برخی از فیلم ها یا برخی از صحنه ها داده نمی شود.

در سال های پیشین مشاهده می شد که گاه سریال هایی که پس از چند سال اکران می شدند، با ممیزی تازه ای مواجه می شدند و یا برخی فیلم هایی که تلویزیون در سال های گذشته درباره اکران شان در سینما موج اعتراضی را به راه انداخته بودند، در تلویزیون به سادگی نمایش داده شدند و صدای هیچ کس نیز در نیامد که بازترین نمونه آن، فیلم سینمایی "آدم برقی" ساخته داوود میر باقری محصول سال ۱۳۷۳ بود که بعد از ۲۰ سال از تلویزیون به نمایش در آمد.

دیگری نمی کند. ممیزی و آسیب های این اتفاق، فرمولی نیست که من آن را کشف کرده باشم بلکه تاریخ آن را ثابت کرده که در هر کجا که سانسور و ممیزی در عرصه فرهنگ و هنر حاکم باشد، آن جامعه فعالیت های فرهنگی هنری تهی شده است. مازیا میری هم در این زمینه معتقد است که وجود ممیزی ها از آراء دهنده است. این کارگردان می گوید: در هر دور های این اتفاق وجود داشته که به نظر ما اصلا ربطی به دولت ها هم ندارد و در هر دور های ممیزی ها به شکل سلیقه ای وجود داشته است و متاسفانه مدیران فرهنگی ما سلیقه های شان را در کار ها اعمال می کنند اما امیدوارم با تمام این مشکلات، بین سازندگان اثر و کسانی که کار فرهنگی می کنند، چه در سینما و چه در تلویزیون اعتماد به وجود بیاید و شرایطی ایجاد شود که حرف یکدیگر را نسبت به شرایط زمانه در کو با همکاری یکدیگر کار کنیم.

جمال شورجه هم می گوید: ما در نظام جمهوری اسلامی ایران هستیم و باید از دستورات و قوانین اسلامی پیروی کنیم. بنابر این انسان هایی که به این مبانی اسلامی اعتقادی ندارند نمی توانند فرهنگ و هنر مطابق با این نظام را اشاعه و ترویج کنند.

این هنرمند نظری متفاوت را بیان می کند و می گوید: آثار و محصولات فرهنگی بعد از ممیزی و مدیریت فکری و فرهنگی باید به دست مخاطب برسد. اینکه نظارت را به عهده مردم بگذاریم و بر اساس سلیقه آنها عمل کنیم چندان درست نیست.



یک اثر فرهنگی و هنری تولید می شود و مورد استقبال عده ای قرار می گیرد و عده ای هم از آن رویگردان می شوند و نمی توان صرفا بر این اساس قضاوت کرد. در این صورت باید برخی مراکز خوشگذرانی های غیر مجاز هم باز شود چون عده ای از مردم به آنها اقبال دارند. نمی توان با این سیاست حوزه خطیری چون فرهنگ و هنر را مدیریت کرد.

فرق ممیزی تلویزیون با سینما

سانسور و ممیزی در سینما و تلویزیون قاعده و قانون مشخصی ندارد و به فراخور زمان و موقعیت از موضوع فیلم و سریال گرفته تا کارگردان و بازیگران، ممکن است مورد ممیزی قرار بگیرند. در واقع گاهی اوقات فیلمی در سینما بدون هیچ گونه مانعی تولید و اکران می شود و بعد همین فیلم بدون دلیلی خاص، از تلویزیون پخش نمی شود. البته برخی از سینماگران، هم باعث چنین تقسیم بندی هایی می شوند و این مرز بندی ها هم حکایت های خود را دارد. گاهی آنقدر این راه فراخ می شود که مواردی جدید را می بینیم که دیدنش در رسانه های دولتی ما عجیب است و گاهی آنقدر تنگ می شود که حتی معمولی ترین چیز ها هم مورد ممیزی قرار می گیرند. در واقع تحت کنترل ترین تصاویر را می توان از تلویزیون تماشا کرد و نظارت دقیقی بر آن چه از آن پخش می شود، وجود دارد و البته از این نظر باید کاملا به مسئولان این رسانه حق داد، چرا که با مخاطبانی چندین میلیونی مواجه اند و برآورده کردن نظرات و سلیقه های مختلف هم بسیار سخت است اما این مسئله موجب نمی شود تا کیفیت را فدای کمیت کرد و یا همه را در یک سطح دید و حضور شبکه های مختلف با تعاریف مختلف، اهی است جهت جلب نظر مخاطبان. سینما، تلویزیون و شبکه ویدئویی خانگی که عمده رسانه های تصویری ما در بر می گیرند در این زمینه با فراز و نشیب هایی رو به رو هستند و گاه فیلم هایی که در شبکه نمایش خانگی پخش می شوند، ممیزی در آن چه ها اعمال می شود و گاه فیلم ها در این شبکه بدون تغییر از آن چه